



باغبان های بی خبر از گل

بیشتر بر دل ها می نشانند، هوایی که روزانه ۳۰۰۰ بار بیشتر بیشتر از غذا و آشامیدنی، مصرفشان می کنیم. جالب است بدانیم که دولت روزانه ۵۰۰ میلیارد تومان از محل یارانه بنزین به صاحبان اتومبیل پرداخت می کند. تناقض واضح بین کوشش در سالم سازی محیط و هوا از طرفی، و پرداخت یارانه چند میلیارد تومانی برای تولید آلودگی هوا از طرف دیگر.

حل این مشکل، مدیریتی را می طلبد که ضمن تسهیم درست این یارانه سنگین که مبلغش برای یک روز ۱۳ برابر کل بودجه سالانه توسعه حمل و نقل وزارت راه است و نیز جلوگیری از اختصاص یکسان آن به همه نهایتاً بگونه ای عمل نماید که نظام حمل و نقل کشور را نیز مختل ننماید.

... و با تولید زیاده ۴۰ هزار تنی روزانه (که تهران، اختصاص با هفت هزار تن آن، در صدر تولید زیاده کشور قرار دارد) که همانگونه قبلاً در گزارش مان ثروت کثیف از آن یاد کرده ایم، نیز مدیریتی را می طلبد که ضمن دفع مناسب آن، همراه با جلوگیری از آلوده سازی بی حساب و کتاب محیط زیست، چرخه بازیافت آنرا بعنوان یک پروژه ملی در دستور کار قرار دهد. آنگونه که بتوانیم بخشی از آن را از محل بازیافت برگردانیم.

خلاصه کلام آنکه...

هر گونه برنامه با هدف سالم سازی محیط زیست مستلزم تصمیم گیری مدیران ارشد و باغبان های مسئول زیست محیطی کشور است. همراهی افراد جامعه اگر چه مفید و لازم است اما آنچه در محدوده توان انسان هاست، صرفاً رعایت اختیاری بعضی از رهنمودهاست که مسلماً باغبان ها نباید جای زیادی برای آن باز

نمایند و به آن دلخوش کنند.

بلکه بسان جوامع موفق، و تجربه مدیریت های در دسترس و مجانی آنها، مدیریت خود را در مسیری هدایت نمایند که هدفش برنامه ریزی همه جانبه برای حمایت از محیط زیست است و با آن هدفی را نشانه رود که صنعت، تجارت، اقتصاد و سیاست را در برابر طبیعت سبز به تعظیم وادارد. در این مسیر، هر درصدی از توفیق، موفقیت بزرگی خواهد بود. بهمن نصیری



* جایزه صلح نوبل امسال برای اولین بار به حوزه محیط زیست تعلق گرفت. خانم وایگانی ماتایی: زن کنیایی فعال و حامی محیط زیست جایزه صلح نوبل را امسال از آن خود کرد.

* اختصاص یک میلیارد تومان توسط دولت برای کمک به تشکیل های زیست محیطی و پیشسازان حرکت سبز در ایران، بهانه ای شد برای اختصاص گزارش ویژه این شماره به محیط زیست.

مرامنامه دنیای غرب، برای هماهنگی جهانی در مورد محیط زیست، این جمله کوتاه بوده است: «ما همه سوار یک قایق هستیم».

این شاید از معدود اتفاقاتی باشد که جهان با اجماعی واقعی و با کمترین ملاحظات سیاسی و منطقه ای، به نتیجه ای این چنین رسید، چرا که اثرات بی توجهی به محیط زیست توسط هر یک از کشورها، آثار مخرب و مستقیم بر کل کشورها داشته است. و این چنین شد که بودجه های جهانی مربوط به فراهم آوری محیط پاک و سبز، با نسبت کمتری نصیب همه کشورهای جهان شد زیرا که در این مورد خاص هر گونه زیان وارده به طبیعت توسط هر کشوری، منجر به تأثیر مستقیم آن به تک تک افراد کره خاک می شد. جمعیت ۵۰۰ میلیونی قرن هفدهم مدتهاست از ۶ میلیارد نفر فراتر رفته است. دو میلیون سال طول کشید تا کره خاک جمعیتش به این تعداد برسد، جالب است که بدانیم پیش بینی می شود در کمتر از چهار دهه، جمعیت کره زمین به ۲ برابر برسد.

روشن است با این سرعت آدمیان، چنانچه تخریب محیط زیست کنترل نشود، امکانات طبیعی زیادی برای فرزندان و نوادگان ما نخواهد ماند. بگذاریم ناحیان سبز و مدافعان حفظ محیط زیست سخن بگویند و طلایه

داران این حرکت را در هر جایی که هستند، اراشان را ادامه دهند. زیرا که آنها از جانب کسانی سخن می گویند که سال ها بعد لب به سخن و گلایه خواهند گشود.

تخریب محیط زیست یعنی خودخواهی آشکار و پنهان معاصر (که ما هم) در استفاده از حقوق و منابع آیندگان پا به عرصه وجود نهاده.

در تهران خودمان، اتومبیل های ما هر روز چندین تن سرب مسموم را در هوا می پراکنند و داغ نداشتن هوایی پاک و تنفسی آزاد و بی دغدغه را بیشتر و